

امنیت و کرامت زنان و دختران چگونه باید تأمین شود؟



محمد بالوری روزنامه نگار

همکاران خبرنگارم در گروه‌های حوادث رسانه‌ها در چند ماه اخیر اخبار و گزارش‌های متعددی را در زمینه رفتارهای خشونت‌آمیز میان زوج‌ها و همین‌طور پدران و دختران جوانشان منتشر کرده و انعکاس داده‌اند که گاه این رفتارها

به حوادث تلخ، ناگوار و مرگباری منجر شده است.

برخی از کارشناسان امور اجتماعی و تربیتی یکی از علل مؤثر در افزایش جرایم خانگی را موضوع قرنطینه و خانه نشینی اجباری به خاطر شیوع ویروس کرونا می‌دانند و می‌گویند: در گذر زمان مردان در خانه‌نشینی‌های اجباری به سبب تکراری بودن روزها احساس افسردگی می‌کنند و با یادآوری خطاها و اشتباهات همسر و دختر نوجوان‌شان در صدد برخورد، تذکر و سرزنش آنها برمی‌آیند که همین مسأله سبب بروز مشاجره و پرخاشگری می‌شود و تکرار آن هم باعث شدت گرفتن تنش‌ها می‌شود. در این میان دخترانی که پیش‌تر تجربه فرار از خانه را داشته‌اند، برای نجات از بی‌مهری‌ها و سرزنش‌های فراوان سبیره پدري بار دیگر به فرار می‌اندیشند تا عشق و عاطفه را در خانه مردی دیگر بیجویند.

با فرار دختران از خانه و آشنایی و ارتباط دختران فراری با مردان بیگانه سرنوشت اندوهباری برای بسیاری از آنها رقم می‌خورد و هر سال تعدادی از این دختران قربانی «قتل‌های ناموسی» می‌شوند.

همانگونه که برخی رسانه‌ها خبر داده‌اند خردادماه گذشته در زنجریه قتل‌های ناموسی ۴ زن و دختر جوان در نقاط مختلف کشور با باور جاهلانه‌ای به‌دست مردان خانواده‌هایشان سلاخی شده‌اند، چراکه برای فرار از زندگی اسارت بارشان در خانه پدري دل به مردان غریبه بسته بودند.

همانگونه که اعلام شده پدري کینه جو با داس علف‌بری در طالش گیلان دختر ۱۴ ساله‌اش را سربريد چون برای نجات از خشونت‌های پدر، دل به مردی با اختلاف سنی فراوان سپرده که به شوق وعده ازدواج این مرد دختر از خانه پدري فرار کرده بود.

در کرمان پدري دختر ۲۵ ساله‌اش را که مدل لباس شده بود با ضربه یک میله آهنی کشت و جسدش را در بیابان انداخت. در آبادان فاطمه ۱۹ ساله برای گریز از فضای خشونت‌بار خانه پدري تن به ازدواج با مردی داده بود، اما به رویاهای شیرین خوشبختی نرسید تا اینکه در سراب آرزوهایش به دست شوهرش سربریده شد و چهارمین قربانی قتل‌های ناموسی، دختر نوجوانی بود که برای گریز از فضای پرشکنجه خانه پدري، پنهانی دل به جوان همسایه بست که با افشای این راز به تصمیم پدر و برادرانش محکوم به مرگ شد و با ضربات داس به دست یکی از برادرانش کشته شد.

هر ساله بر اساس آمار ۲۰ درصد از جمع کشته شدگان حوادث مختلف، زنان و دخترانی هستند که در جنایات خانوادگی به قتل می‌رسند.

گذشته از سرنوشت غم‌انگیز این دسته از دختران که به شوق گریز از خانه پدري و رسیدن به خوشبختی و روشنی‌های زندگی، رویاهای شیرین‌شان با قتل‌های ناموسی رنگ خون می‌گیرد، دختران دیگری هم از چنین خانه‌هایی، به شوق یافتن گوهر خوشبختی شکار جوانانی می‌شوند که با پهن کردن دام‌هایی در کوچه پس‌کوچه‌های خلوت شهر آنها را فریب می‌دهند و با سرنوشتی اسفناثر از قبل رها می‌کنند و پس از آن این بار تنه‌کاران و سردسته‌های خانه‌های فساد و فحشا و باند‌های قاچاق مواد مخدر، سارقان و کلاهبرداران و آدم‌ربایان وارد بازی سرنوشت این دختران بخت برگشته می‌شوند و آنها را در بازار سیاه به خدمت می‌گیرند و سبب اشاعه و گسترش انواع فساد، تباهی و گمراهی دختران دیگر در جامعه می‌شوند. اخیراً قوه قضائیه اعلام کرده، قرار است لایحه‌ای برای حفظ و تأمین کرامت و امنیت روانی، جسمی و جنسی زنان و دختران و افزایش سطح آگاهی عمومی و پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز علیه بانوان در مجلس شورای اسلامی مطرح شود. مسلماً در اجرای این قانون وقتی می‌توان به موفقیت‌هایی رسید که زمینه‌های اجرایی آن در سطح جامعه و خانواده‌ها فراهم شود.

این در حالی است که هنوز زنان و دختران قربانی اسیدپاشی در اصفهان با گذشت ماه‌ها و سال‌ها با چهره‌هایی سوخته در انتظار دستگیری تبهکاران اسید پاشی درد سوختن را همچنان در دل و جان دارند تا با اجرای عدالت و دستگیری اسیدپاش‌ها تسکین پیدا کنند و به قول طراحان لایحه قضایی کرامت و امنیت زنان حفظ شود.

کشف ۳ تن تریاک قبل از ورود به تهران

گروه حوادث / اعضای یک باند که با جاسازی حدود ۳ تن تریاک در میان جعبه‌های تن ماهی و ماشین لباسشویی قصد انتقال مواد به تهران را داشتند از سوی پلیس دستگیر شدند. سردار(«حسین رحیمی» رئیس پلیس پایتخت در تشریح انهدام این باند گفت: از اسفند سال گذشته فعالیت این باند را زیر نظر داشتیم و آنها موفق شده بودند دو تا سه بار از دست پلیس فرار کنند تا اینکه روز سه‌شنبه سه عضو این باند در بدو ورود به پایتخت دستگیر شدند. ارزش این مجموعه که شامل ۲ تن و ۷۰۰ کیلوگرم تریاک بود بیش از ۱۵ میلیارد تومان تخمین زده شده و توسط یک تریلر از جنوب کشور به سمت تهران در حال حرکت بوده و با ترندهای مختلفی از بین شهرها عبور می‌کرده و توقف‌های گوناگونی برای رد گم‌کنی داشته تا آن را به پایتخت برساند.

وی گفت: متهمان برای رد گم‌کنی در ایست بازرسی‌ها به همراه باران تریلر، اقلامی مانند تن ماهی و ماشین لباسشویی حمل می‌کردند و مواد مخدر به گونه‌ای بارگذاری شده بود که گویی تریلر یک محموله تجاری را حمل می‌کند.

به گفته رحیمی، مواد مخدری که در این تریلر بود در لابه لای ۶۵ تسمه صنعتی به‌صورت کاملاً حرفه‌ای جاسازی شده بود و از یکی از استان‌های جنوب‌شرقی به سمت پایتخت حرکت می‌کرد و شیوه آنها هم به گونه‌ای بود که این گجم از مواد مخدر را دیو و به مرور بین خرده‌فروشان توزیع می‌کردند.



گروه حوادث / اعضای یک باند که با تبلیغ در چند صفحه اینستاگرامی اقدام به فروش نوزاد می‌کردند در حالی از سوی پلیس دستگیر شدند که هنوز جزئیاتی از شیوه و شرگرد این افراد برای خرید و فروش نوزادان فاش نشده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل خبری به همراه چند عکس نوزاد و کودک در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد مبنی بر اینکه عده‌ای با تبلیغات گسترده در اینستاگرام اقدام به فروش نوزاد می‌کنند. این افراد با انتشار عکس نوزادان برای هر کدام قیمت گذاشته و با دادن اطلاعات به‌دنبال پیدا کردن مشتری بودند. هر چند وجود این صفحات در اینستاگرام واکنش‌های بسیاری را از سوی کاربران به‌دنبال داشت، برخی آن را واقعی و اقدامی مجرمانه می‌دانستند و برخی دیگر این صفحات را «فیک» و غیرواقعی و آن را ساخته افرادی می‌دانستند که قصد دارند با این کار بحث کاربرد اینستاگرام در رواج تخلف و فساد را پررنگ‌تر کنند اما فقط دو روز پس از انتشار این اخبار بود که سردار رحیمی، رئیس پلیس پایتخت از دستگیری سه عضو یک باند خرید و فروش نوزاد خبر داد و در مصاحبه‌ای حضوری گفت: «پلیس فتا در گشت‌رنی در فضای مجازی، به صفحاتی برخورد که آگهی‌های خرید و فروش نوزاد را منتشر کرده بودند. با پیگیری فراوانی که انجام شد و با قراردادن طعمه‌هایی برای این افراد در نهایت طی عملیات پلیسی، مأموران پلیس فتا به عوامل

هرچند جزئیات بیشتری از فعالیت اعضای این باند و اینکه نوزادان را از کجا آورده و تاکنون چند نوزاد را فروخته‌اند از سوی وی بیان نشد اما اظهار داشت که متهم دستگیر شده دارای سابقه نیست و ۱۰ تا ۱۵ صفحه مجازی داشته که تمامی این صفحات حقیقی بوده و از این طریق اقدام به فروش نوزادان می‌کرده است. این فرد ادعا می‌کرد بعد از فروش نوزادان می‌تواند برای خانواده‌هایی که خریدارند شناسنامه بگیرد و نوزادان برای داشتن شناسنامه مشکلی ندارند. چنین ادعایی که از سوی متهم مطرح شده نشان می‌دهد اعضای این باند باید بیشتر از این سه نفر باشند و در بیمارستان‌ها و حتی ثبت احوال نیز همدستانی دارند که می‌توانند براحتی برای نوزادان فروخته شده شناسنامه می‌شدیم، با آنها قرار می‌گذاشتیم تا بچه را تحویل‌شان می‌شدیم. هرچند سردار رحیمی اظهارات آنها را دربارۀ

عامل قتل در پارک چیتگر به دار آویخته شد

گروه حوادث / پرونده مرد جوانی که به اتهام قتل یکی از هم محله‌ای‌هایش به قصاص محکوم شده بود با اعدام وی در زندان رجایی شهر بسته شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۴ مرداد سال ۹۴ با کشف جسد مردی ۳۰ساله در پارک چیتگر آغاز شد. مأموران کلانتری ۱۸۱ عوارضی موضوع را به پلیس اعلام کردند و با حضور تیم جنایی در محل مشخص شد که وی با ضربه چاقویی به گردن کشته شده است.

زن جوانی که در محل جنایت حضور داشت راز این جنایت را برملا کرد و گفت: همسرم با مقتول درگیر شد و با چاقو به او ضربه زد و با موتورسیکلتی از اینجا فرار کرد. به دستور بازپرس جنایی جسد به پزشکی قانونی و الهام نیز برای تحقیقات بیشتر به اداره آگاهی منتقل

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر دوشنبه دوم تیر سال جاری خبر کشف اجساد یک مادر و سه فرزندش از درون چاه آب ۲۰ متری منزلشان واقع در یکی از روستاهای شهرستان مهرستان، به مأموران پلیس آگاهی این شهرستان اعلام و دقایقی بعد تیم جنایی این شهرستان راهی محل حادثه شد. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد اجساد متعلق به زنی ۴۵ ساله به همراه ۳ فرزندش که دو دختر ۱۳ و ۱۱ ساله و یک پسر ۱۶ ساله است که توسط مأموران آتش‌نشانی از داخل چاه ۲۰ متری بیرون کشیده شده‌اند. در ادامه تحقیقات برادر بزرگ این زن به مأموران گفت: چند ساعت قبل برای دیدن خواهرم به منزل‌شان رفتم که متوجه غیبت آنها شدم از آنجایی که خواهرم همیشه قبل از بیرون رفتن من را در جریان قرار می‌داد از نبودش متعجب شدم و با کمک سایر اعضای خانواده و همسایگان اقدام به جست و جوی دقیق تمام نقاط خانه‌شان کردم. بعد از چند ساعت ناگهان برادر کوچکترم جسد خواهرم و فرزندانش را درون چاه دید و بلافاصله به آتش‌نشانی و پلیس ۱۱۰ اطلاع دادم.

پس از آن مأموران که احتمال وقوع جنایتی خانوادگی را قوی می‌دانستند برای رسیدن به سرخ پرس و جو از خانواده مقتول را شروع کردند که در نهایت با اظهارات ضد و نقیض برادر کوچکتر مقتول که اولین بار اجساد را داخل چاه آب پیدا کرده بود مواجه شدند و وی برای تحقیقات بیشتر و بازجویی به اداره آگاهی منتقل شد. سردار قنبری فرمانده انتظامی سیستمات و بلوچستان در این باره گفت: پس از حضور مرد جوان در اداره آگاهی متهم لب به اعتراف گشود و مدعی شد که به خاطر اختلاف مالی که از دو سال قبل با خواهرش داشته تصمیم به انتقام گرفته و خواهر و خواهرزاده‌هایش را به قتل رسانده است. قاتل در تشریح این جنایت گفت که روز حادثه به خانه خواهرش رفته و سعی را که از قبل خریده بود در غذای آنها ریخته و خودش از آنجا خارج شده است، اما ۲ ساعت بعد برای بررسی وضعیت دوباره به خانه آنها رفته و وقتی از مرگ آنها مطمئن شده اجساد را به چاه انداخته است. متهم با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.



را معرفی کرد.

با تکمیل تحقیقات و اعتراف متهمان به جنایت، هر دو آنها در شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفتند. متهم به قتل در دفاع از خود گفت:

تبلیغ خرید و فروش نوزاد

متهمان را لوداد

دهیم. ما نوزادان را به خانواده‌هایی تحویل می‌دادیم که نمی‌توانستند بچه دار شوند.

■ **نوزادها را چطور انتخاب می‌کردید؟** به سراغ خانواده‌هایی که بچه دار شده بودند اما وضع مالی خوبی نداشتند و نیاز به پول داشتند می‌رفتم.

■ **چند مورد داشتید؟** کلاً دو مورد.

■ **اعضای باند چند نفر هستند؟** من و دو سه نفر دیگر واسطه بودیم و از طریق تلفن و پیامکی با یکدیگر ارتباط داشتیم.

■ **شناسنامه هم برای بچه‌های می‌گرفتید؟** من این کار را نکردم و نمی‌دانم چطور این کار انجام شده اما واسطه‌ها این کار را انجام می‌دادند.

■ **از این فروش چقدر کیرت می‌آمد؟** بین ۵ تا ۷ میلیون تومان.

■ **نوزادها را چطور تحویل می‌گرفتید؟** از خانواده می‌گرفتم و به خریدار تحویل می‌دادیم.

■ **چه مدت است که این کار را انجام می‌دهی؟** ۲ ماهی می‌شود.

■ **خبردار یکی از نوزادان**

زن جوانی که یکی از این نوزادان را خریداری کرده است، گفت: دختری ۱۱ ساله‌ام در فضای مجازی این آگهی فروش نوزاد را دید و به من گفت که می‌توانیم نوزادی بخریم چون من دیگر نمی‌توانستم بچه دار شوم. ابتدا راضی نبودم اما وقتی دخترم اصرار کرد با او موافقت کردم. از طریق بهزیستی موفق نشده بودیم فرزندش را بیآوریم و با دیدن آگهی، تصمیم گرفتم یک بچه بخرم.

من و همسرم با هم اختلاف داشتیم و وقتی پسر دو ساله‌مان به خاطر بیماری فوت شد اختلاف‌های ما بیشتر شد. مدتی بعد مادر هم فوت شد و پدرم نیز بیمار بود. به همین خاطر بیشتر وقتها به خانه پدرم می‌رفتم و فقط شبها به خانه بر می‌گشتم. در دو سال آخر زندگی‌مان به همسرم زیاد توجه نمی‌کردم. روز حادثه خیلی اتفاقی همسرم را دیدم که سوار خودروی پراید مرد غریبه‌ای شد. کمی که بیشتر دقت کردم، راننده را شناختم، علی اصغر، یکی از هم محلی‌هایمان بود. آنها را با موتورسیکلمت تعقیب کردم تا به چیتگر رسیدند. با موتور جلوی خودرو نیچیدم، علی اصغر با پرخاشگری از ماشین پیاده شد و به رویم چاقو کشید. من جاقو را از دستش گرفتم که او به داخل ماشین برگشت و قفل فرمان آورد. می‌خواستم قفل فرمان را از دستش بگیرم که ناخواسته چاقو به گردنش خورد. قضات دادگاه کیفری حمید را به قصاص و همسر او را به شلاق محکوم کردند. همچنین زوج جوان به ۲۰ساعت کار اجباری در خانه سالمندان و استحمام آنها محکوم شدند.

با تأیید این حکم در دیوانعالی کشور، متهم جوان چند روز قبل پای چوبه دار رفت و به درخواست اولیای دم به دار مجازات آویخته شد.

زندان مجازات قتل پسر همسایه

و در حالی که ابراز پشیمانی می‌کرد گفت: من در زندان قرآن خواندن را یاد گرفتم هر روز نماز و دعا می‌خوانم و مسئولان زندان هم تأیید می‌کنند که من زندانی بی‌آزاری هستم. در زندان داروهایم را هم می‌خورم و حالم بهتر شده است. پدر و مادرم برای اینکه برای من رضایت بگیرند زحمت زیادی کشیدند و خیلی چیزها را از دست دادند تا من را زنده نگه دارند. من هم توبه کرده‌ام و قول داده‌ام که آدم خوبی باشم. من قبل از کار می‌کردم برای خودم شغل و درآمد داشتم اما گاهی حالم بد می‌شد.

بعد از گفته‌های متهم وکیل مدافع او در جایگاه قرار گرفت و گفت: موکل من اتهامش را قبول دارد. او دچار اختلال شخصیت است و این مسأله در اوجدی است هرچند قانون فقط جنون را رافع مسئولیت کیفری می‌داند اما اختلال شخصیت و آسیب که در کودکی به او وارد شده است او را به سمت ارتکاب جرم کشانده است. با توجه به اینکه او دچار اختلال شخصیت بوده است درخواست دارم قضات دادگاه با توجه به جمیع شرایط دستور آزادی وی را صادر کنند.

بدین ترتیب در پایان جلسه دادگاه قضات یکبار دیگر وارد شور شدند و متهم را با توجه به رضایت اولیای دم به حبس محکوم کردند.

کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و پدر و ابوالفضل برای قاتل پسرشان حکم قصاص در ملاعمر درخواست کردند. در ادامه متهم که به‌علت لکنت به سختی حرف می‌زد در تشریح ماجرا گفت: من از سال‌ها قبل به‌علت اینکه مورد تعرض قرار گرفته بودم زندگی خوبی نداشتم. روز حادثه مادر و برادرم در خانه نبودند. به بهانه نشان دادن کیوتر، پسر همسایه را به پشت بام بردم. ولی یکباره دچار جنون شدم و با چاقو به جانش اقدام.

وی گفت: بعد از قتل بود که برادرم به خانه برگشت. ماجرا را به او گفتم و او از من خواست تا خودم را به پلیس معرفی کنم اما قبول نکردم. من جنازه خونین را لای پتو پیچیدم سپس با یک ماشین کرایه‌ای به جاده قم بردیم. پس از دفاعیات وکیل، هیأت قضایی وارد شور شد و مجید را به اعدام در ملاعمر محکوم کرد. این حکم در دیوان عالی کشور به تأیید رسید و پرونده برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران رفته بود که خانواده متهم رضایت اولیای دم را جلب کردند و پرونده برای محاکمه به لحاظ جنبه عمومی جرم یکبار دیگر به شعبه ۹ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. سرانجام دیروز متهم بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد



گروه حوادث / مرد بیمار که در اقدامی جنون‌آمیز پسرپچه‌ای را به قتل رسانده بود بعد از گذشت سه سال در حالی که توانسته بود رضایت پدر و مادر مقتول را جلب کند از سوی قضات به حبس محکوم شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این جنایت هولناک شه‌ریور سه سال قبل در جنوب تهران رخ داد و مرد جوانی با ربودن پسر ۱۱ ساله همسایه‌وی را با ضربه‌های کارد به قتل رساند و جسدش را با کمک برادرش در حالی که لای پتو پیچیده بود با خودرو به بیابان‌های اطراف قم برد و رها کرد. بعد از شکایت خانواده پسر پچه و اعلام گم شدن او تحقیقات آغاز و مجید به‌عنوان مظنون این پرونده دستگیر شد وی چهار روز بعد از دستگیری به قتل پسر پچه اعتراف کرد و گفت: من سال‌ها پیش وقتی هم سن و سال ابوالفضل بودم مورد آزار و اذیت یک مرد غریبه قرار گرفتم و زندگی‌ام تباه شد. به‌همین خاطر وقتی او را تنها در خیابان دیدم تصمیم گرفتم ابوالفضل را بکشم تا سرنوشت تلخی مانند من نداشته باشد. در حالی که سلامت روانی این متهم از سوی کمیسیون پزشکی قانونی تأیید شده بود وی در شعبه ۹ دادگاه